



A Comparative Study of the Nature of the Prostitution Fostering in Iran and France 's law and Shias Jurisprudence

Zahra Sarikhani¹, Adel Saikhani², Maryam Ranaei³

¹ PhD Graduate, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of law, University of Qom (Corresponding Author). za.sarikhani@yahoo.com

² Full Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of law, University of Qom. adelsari@yahoo.com

³ MA in Criminal Law and Criminology, Faculty of Electronic Learning, University of Qom.

Abstract

Explaining the nature of the prostitution Fostering requires an awareness of the norms, values, behavioral, moral, and cultural principles that govern society. The fundamental question arising here is what the similarities and differences are between the legal systems of Iran and France with Shia 's jurisprudence in this regard? In the present study, based on descriptive-analytical method, the most important results are that in each of the mentioned legal systems, if prostitution is used in its specific meaning (sexual activity outside the framework of marital relations and marriage), none of the legal systems has not left it unanswered, because they have caused damage to the privacy of the family and the values that govern society. In a wider general sense, not only the Shia jurists, but also the Iranian legislature, under the influence of religious and moral teachings, is more sensitive towards moral and religious values moreover, reacts sharply to the opposition to these values. However, there is no sensitivity or conflict in this regard in the French legal system.

Keywords: Proliferation, Prostitution, Qazf, Iran, France.

Received: 2021/10/16 ; Revised: 2023/01/01 ; Accepted: 2023/01/23 ; Published online: 2024/03/26

How To Cite: Sarikhani, Zahra; Saikhani, Adel; Ranaei, Maryam (2024). A Comparative Study of the Nature of the Prostitution Fostering in Iran and France 's law and Shias Jurisprudence. *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 11(1), 51-74. doi.org/10.22091/CSIW.2023.7371.2156

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





مطالعه تطبیقی ماهیت اشاعه فحشاء در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه

زهرا ساریخانی^۱، عادل ساریخانی^۲، مریم رعنائی^۳

^۱ دانش آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)، za.sarikhani@yahoo.com

^۲ استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، adelsari@yahoo.com

^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده آموزش‌های الکترونیک، دانشگاه قم.

چکیده

تبیین ماهیت اشاعه فحشاء، مستلزم آگاهی از هنجارها، ارزش‌ها و اصول رفتاری، اخلاقی و فرهنگی حاکم بر جامعه است. سوالی بنیادین که مطرح است عبارت است از این که چه تشابه و تفاوت‌هایی بین نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه و فقه امامیه در این خصوص وجود دارد؟ در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی اهم نتایج بدست آمده این است که در هر یک از نظام‌های حقوقی یاد شده در صورتی که فحشاء به معنای خاص آن (فعالیت جنسی خارج از چارچوب روابط زناشویی و ازدواج) به کار برده شود، هیچ یک از نظام‌های حقوقی ذکر شده این رفتار را بی‌پاسخ نگذاشته، چرا که باعث ورود خدشه و آسیب به حریم خانواده و ارزش‌های حاکم بر جامعه شده‌اند. در معنای عام‌تر، نه تنها فقهای امامیه، بلکه قانونگذار ایرانی تحت تأثیر تعالیم دینی و اخلاقی، حساسیت بیشتری نسبت به ارزش‌های اخلاقی و دینی از خود نشان داده و نسبت به مخالفت‌هایی که با این ارزش‌ها می‌شود برخورد‌های شدیدی را روا می‌دارد که در این خصوص حساسیت و یا برخورد‌هایی در نظام حقوقی فرانسه مشاهده نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: اشاعه فحشاء، قوادی، قذف، ایران، فرانسه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷
استناد به این مقاله: ساریخانی، زهرا؛ ساریخانی، عادل؛ رعنائی، مریم (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی ماهیت اشاعه فحشاء در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱(۱)، ۵۱-۷۴. doi.org/10.22091/CSIW.2023.7371.2156

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم



مقدمه

خداوند متعال از انسان به عنوان برترین مخلوق خود (اسراء/۷۰) می‌خواهد در حفظ آبروی خود و دیگران، تلاش کند. اسلام برای حفظ آبرو، کرامت و شخصیت افراد جامعه اهمیت بسیاری قائل است. از این رو، در راستای حمایت از شرافت و کرامت انسانی و مجازات متخلفین این امور، احکام بسیاری از جمله: حرمت غیبت، تهمت (افترا)، اشاعه فحشاء، شایعه‌پراکنی، بدگویی و... را وضع کرده تا از این طریق امنیت اخلاقی، ناموسی و حفظ آبروی افراد جامعه تأمین گردد. آیه نوزده سوره مبارکه نور و شأن نزول این آیه و آیات مرتبط با آن بر همین مطلب اشاره دارد، در این آیه که مبنای موضوع مورد پژوهش است، خداوند متعال از حرمت افعالی (با توجه به واقعه إفک) سخن می‌گوید که عنوان اشاعه فحشاء بر آن صادق است. پرده‌پوشی و حفظ آبروی افراد در کلام معصومین (ع) نیز، نشان از توجه به این مهم است. روایتی است از رسول گرامی اسلام (ص) در این خصوص که خطاب به مولا امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: «اگر مردی را در حال ارتکاب فحشایی دیدی، (چه می‌کنی)؟ گفت: او را می‌پوشانم. فرمود: اگر دوباره او را دیدی؟ گفت: تا سه بار با ازار و ردایم او را می‌پوشانم. پس پیامبر (ص) فرمودند: (جوان مردی جز علی نیست). همچنین فرمودند: (برای برادران خود پرده‌پوشی کنید)». (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲/۴۲۶) البته دستور اسلام و فرمایش پیامبر عظیم‌الشأن (ص) در خصوص عیب‌پوشی بندگان خدا به این دلیل است که افشای امور زشت و فحشاء، از قباحت عمل می‌کاهد و افراد مستعد به طرف ارتکاب آن کشیده می‌شوند و در نتیجه باعث رواج فساد و فحشاء در جامعه، عادی شدن این امور و در نهایت، افول انسانیت و تباهی جامعه می‌گردند. (فانی، ۱۳۹۸: ۴)

عبارت «اشاعه فحشا»، مفهوم وسیعی دارد چراکه، هرگونه فساد، فحشاء، پخش و انتشار زشتی‌ها، قبائح و همچنین کمک به توسعه فحشاء و فراهم کردن وسایل رسیدن به آن‌ها را شامل می‌شود. این عبارت متشکل از دو واژه «اشاعه» و «فحشا» است؛ و در بیان معنای این دو واژه می‌توان گفت؛ کلمه «اشاعه» به معنای گسترش و پخش کردن آمده است (عمید، ۱۳۸۳: ۱۴۸)، کلمه «فحشا» را می‌توان در دو معنا به کاربرد؛ یکی در انحرافات و آلودگی‌های جنسی (در معنای خاص) و دیگری مطلق گناهان (در معنای عام). فحشاء و اشاعه آن، یکی از اعمال شنیعی است که به‌شدت مورد نکوهش قرار گرفته است؛ و این نکوهش به این دلیل است که موجب مسمومیت یا آلوده شدن فضای جامعه و همگانی شدن ویروس گناه نزد عموم مردم می‌شود. (شیرازی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴/۳۰۵)

واژه فحشاء^۱ در نظام حقوقی فرانسه به معنای (روسپیگری، تن‌فروشی و فاحشگی) بیان شده است

(زراعت، ۱۳۸۵: ۱۶۷). واژه روسپی در اواخر سده هجدهم رایج شد. روسپیگری را می‌توان تن دادن به رابطه جنسی در ازای دریافت پول تعریف کرد. طبق تعریف، روسپیگری شامل مردان و کودکان (پسران و دختران) نیز می‌شود. اما تن‌فروشی زنان در تاریخ حضوری به مراتب ملموس‌تر داشته است. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۹۵) روسپیگری به عنوان یک جرم علیه کرامت انسانی فرد مطرح است چراکه، مقام انسان به یک شیء که ما به ازای مادی دارد تنزل پیدا می‌کند. این اصطلاح برای نشان دادن رفتار کسی است که درگیر فعالیت‌های جنسی خارج از هنجارهای جامعه است مثل بی‌بند و باری جنسی یا روابط بیرون از ازدواج حتی ازدواج سفید به کار برده می‌شود. (رستمی، ۱۳۹۶: ۱)

در پژوهش‌های پیشین که ارتباط موضوعی با این پژوهش دارند مانند؛ «مطالعه تطبیقی - تاریخی جرم قوادی در حقوق ایران و فرانسه» به قلم پژمان پورزند مقدم (۱۳۸۲)، «اهمیت بزه‌پوشی در اسلام و تاثیر آن در حقوق کیفری ایران» به پژوهش‌ریضا فانی (۱۳۹۸). به صورت موردی به مطالعه و پژوهش در این زمینه پرداخته شده است. آنچه باعث تمایز پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین می‌شود بررسی و توجه به ماهیت اشاعه فحشاء در نظام حقوقی ایران، فرانسه و فقه امامیه است.

این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سوالات است که؛ اولاً: رویکرد فقه امامیه و نظام حقوقی ایران و فرانسه در قبال اشاعه فحشاء چیست؟ ثانیاً: ماهیت اشاعه فحشاء از منظر فقه امامیه و نظام حقوقی ایران و فرانسه چیست؟ لذا، نوشته حاضر با ملاحظه آموزه‌های فقهی و حقوقی ایران و با توجه به نظام حقوقی فرانسه در راستای بررسی موارد مطرح شده است که ابتدائاً ماهیت اشاعه فحشاء از منظر فقه امامیه و سپس در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان به نتیجه‌گیری مباحث مطرح شده می‌پردازد.

۱. اشاعه فحشاء از منظر فقه امامیه

در قسمت اول پژوهش به بررسی ماهیت اشاعه فحشاء از منظر فقه امامیه پرداخته می‌شود برای این منظور ابتدا اشاعه فحشاء در آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به بررسی آن در کلام معصومین (ع) و در انتها دیدگاه فقهای امامیه در این خصوص بیان می‌گردد.

۱-۱. اشاعه فحشاء در آیات قرآن کریم

خداوند متعال در خصوص اشاعه فحشاء به افرادی که قصد اشاعه فحشاء دارند وعده عذاب دردناکی در دنیا و آخرت می‌دهد. «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (نور: ۱۹) «همانا کسانی که قصد و علاقه به اشاعه فحشا در بین مؤمنان دارند، عذاب دردناکی برای آن‌ها در دنیا و آخرت خواهد بود». عبارت «اشاعه فحشاء» مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد و صرفاً منحصر به این نیست که انسان دروغ و تهمت بی‌اساسی (با توجه به شأن نزول آیه فوق «حادثة إفک») را در مورد زن

و مرد با ایمانی نشر دهد. ایجاد مراکزى که موجب نشر فساد و فحشاء است یا تشویق افراد جامعه به گناه و در اختیار قرار دادن وسایل انحراف و ارتکاب گناه و همچنین دریدن پرده حیا و در ملاً عام مرتکب گناه شدن، هر کدام از جمله مصادیق و انواع اشاعه فحشاء محسوب می‌شوند. (شیرازی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۲۵/۱۴)

در خصوص «عَذَابُ أَلِيمٌ» در آیه مورد نظر، نظرات متفاوتی از سوی مفسران بیان شده است بدین صورت که؛ برخی از مفسران با توجه به شأن نزول آیه شریفه (قضیه افک) منظور از عذاب الیم را مجازات کیفری دنیوی دانسته (طبرسی، ۱۳۸۰: ۵۵۱/۱۷) و برخی دیگر آن را شامل کیفر دنیوی و غیر آن می‌دانند (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۱۳۵/۱۵) برخی نیز ذکر «حب شیوع فاحشه» به عنوان ملاک عذاب دنیا و آخرت را دارای دو ویژگی می‌دانند؛ الف: اهمیت محوری رکن روانی در جرم مذکور، ب: مفروض بودن حب شیوع فاحشه برای کسی که مرتکب اشاعه فحشا می‌شود. حب اشاعه فحشاء رکن روانی و مفروض در انتشار و اشاعه فحشاء است. به عبارت دیگر رکن مادی و روانی در مورد مصداق این آیه وجود دارد و وعده عذاب الهی در دنیا و آخرت، ناظر به جمع رکن مادی و روانی است. ذکر رکن روانی به سبب آن است که تکیه گاه اصلی استحقاق عذاب در همه گناهان رکن روانی است که در اینجا حب شیوع فاحشه، این نقش را ایفا می‌کند. اگر چه مورد و مصداق نزول آیه مخصص عموم مفهوم آیه نیست، ولی به صراحت بیان می‌کند که ملاک عذاب الیم در دنیا و آخرت، صرف حب اشاعه فحشاء بدون هیچ عمل خارجی نیست (صدر، ۱۴۱۸: ۲۹۲/۱)

به نظر می‌رسد که با توجه به آیات متعدد قرآن کریم در مورد معانی (اشاعه فحشاء، فاحشه و فحشاء) می‌توان به دو مفهوم (عام و خاص) دست یافت، بدین نحوکه، برخی آیات دربرگیرنده مفهوم عام هستند مانند: ﴿إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۱۶۹) «این دشمن است که به شما دستور زشتی می‌دهد و بر آن می‌گمارد که سخنانی از روی جهل و نادانی به خدا نسبت دهید.» در تفسیر نمونه، «فحشاء» از ماده «فحش» به معنی هر کاری است که از حد اعتدال خارج گردد و صورت فاحش به خود بگیرد، بنابراین شامل تمامی منکرات و قبائح واضح و آشکار می‌گردد (شیرازی و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۴۵/۱) و برخی دیگر از آیات مفهوم خاص را شامل می‌شوند مانند: ﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِيَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ﴾ (یوسف/ ۲۴) در تفسیر آیه کلمه (فحشاء) را به آلودگی جنسی (زنا) معنا کرده‌اند (شیرازی و دیگران: ۴۳۸/۹)

بنابراین می‌توان از آیات قرآن کریم چنین پنداشت که، مفهوم عبارت اشاعه فحشاء بسیار گسترده و وسیع است و همه موارد فوق می‌تواند از مصادیق اشاعه فحشاء محسوب گردند.

۲-۱. اشاعه فحشاء در کلام معصومین (ع)

از دیدگاه اسلام، حفظ آبروی مؤمن بسیار با اهمیت است و خداوند متعال به پوشاندن عیوب، قبایح و

زشتی‌های خود و دیگران، با بیانات متعددی سفارش فرموده‌اند. از آنجا که پوشاندن زشتی‌ها، عیوب و بدی‌ها از نعمت‌های بزرگ و احسان‌های عظیم و الطاف بی‌بدیل حق درباره عبد است و باید دانست وقتی خدای مهربان در دنیا بدی و زشتی بنده مؤمن خود را می‌پوشاند و آبرویش را میان مردم حفظ می‌کند، یقیناً در قیامت به بنده مؤمن و گناهکار توبه‌کننده به درگاه خویش را بیشتر مورد توجه قرار داده و زشتی و بدی‌هایش را بیش از پیش پرده‌پوشی خواهد نمود. (عبداللہی، امری، ۱۳۹۵: ۱۱۴) در خصوص اشاعه فحشاء روایات بسیاری موجود است که نشان از پرده‌پوشی و پنهان داشتن خطاها و لغزش‌های خود و دیگران است.

در وسائل الشیعه از رسول الله(ص) روایتی نقل می‌کند که حضرت فرمودند: کسی که از عمل منکری باخبر شود و آن را افشا کند، چنان است که خود آن را انجام داده است و کسی که از کار نیک و شایسته‌ای مطلع گردد و آن را افشاء نماید بسان کسی است که آن را انجام داده است (عاملی، ۱۴۱۶: ۲۹۶/۸).

همچنین محمد بن فضیل از امام کاظم(ع) نقل می‌کند: قربانت شوم درباره یکی از برادران و دوستانم چیزهایی شنیده‌ام که برایش خوش ندارم، از او سؤال کردم منکر شد در صورتی که جماعتی از کسانی که بدیشان وثوق داشتم به من خبر داده بودند، حضرت به من فرمود: ای محمد گوش و چشم خود را نسبت به برادرت تکذیب بنما، و چنانچه نزد تو پنجاه تن شهادت دادند و قسم یاد کردند و او بر خلاف آنها گفت از وی قبول کن و از آنها نپذیر، و در باره او انتشار مده چیزی را که موجب سرشکستگی و عیب اوست و حیثیت او را لطمه میزند زیرا در این صورت از کسانی باشی که خداوند فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (کلینی، ۱۳۷۴: ۱۴۷/۸).

بنابراین از روایات فوق می‌توان به این نتیجه رسید که حفظ آبروی انسان‌ها و جلوگیری از هرگونه بی‌آبرویی و شکستن حرمت آن‌ها و عدم انتشار گناهان انسان‌ها، به چه میزان مورد توجه معصومین(ع) می‌باشد و همچنین این روایات را می‌توان با آیه اشاعه فحشاء، آن معنایی که مقصود از فحشاء را انتشار خبر می‌دانست، منطبق دانست.

۳-۱. اشاعه فحشاء از دیدگاه فقهای امامیه

از آنجا که محور بحث ما موضوع آیه ۱۹ سوره مبارکه نور و حکم تعلق گرفته به آن است، در خصوص آیه مذکور و حکم آن میان صاحب نظران اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود. بدین بیان که؛ برخی از فقها مانند صاحب جواهر موضوع آیه را نفس اشاعه فحشاء نمی‌داند، بلکه موضوع آیه را حب اشاعه فحشاء می‌داند، از این رو در هر امری که حب اشاعه صدق کند آیه شامل آن می‌شود. (نجفی، ۱۳۹۰: ۶۰/۲)

۱. «مَنْ سَمِعَ فَاحِشَةً فَأَفْشَاهَا كَانَ كَمَنْ أَتَاهَا وَمَنْ سَمِعَ خَيْرًا فَأَفْشَاهُ كَانَ كَمَنْ عَمَلَهُ».

نویسنده کتاب مباحث الاصول در این زمینه با صاحب جواهر هم عقیده است و ذیل آیه می نویسد: ظاهراً مقصود از آیه، حب اشاعه فحشاء است پس آیه دلالت بر حرمت این حب می کند. وی معتقد است که برخی معصیت را به جهت لذت بردن از خود آن معصیت انجام می دهند اما برخی دیگر اصل صدور و وقوع معصیت را طالب هستند هر چند این گناه به وسیله فرد دیگر محقق شود و روشن است که بین این دو تفاوت وجود دارد و دومی بسیار بدتر از اولی است. (صدر، ۱۴۱۸: ۲۹۱/۱) دو نظر فوق با انتقادات و ایراداتی روبرو شده است؛ بدین صورت دیدگاه صاحب جواهر مورد انتقاد قرار گرفته است که؛ احکام شرعی از قبیل وجوب، حرمت، کراهت، استحباب و اباحه به افعال انسان تعلق می گیرد نه به تمایلات قلبی او. بدین جهت است که در آیه «اجْتَبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» از بسیاری پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید، که برخی ظن و پندارها معصیت است. «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» از مصادیق گمانی که گناه شمرده می شود، غیبت را نام برده که ظن صرف نیست بلکه این ظن به حالت فعلیت در آمده و موجب انجام عملی در خارج شده است. در پاسخ به این انتقاد گفته می شود؛ تفسیر صاحب جواهر از آیه ۱۹ سوره مبارکه نور اشکالی بر حرمت نفس اشاعه فحشاء ایجاد نمی کند، اگر حب اشاعه فحشاء به قدری از جانب شارع مذموم تلقی شده باشد به دلالت اولویت، نفس اشاعه فحشاء از قبیح بیشتری در نگاه شارع برخوردار است. نقد وارده بر دیدگاه شهید صدر بدین صورت است که؛ چنین برداشتی از آیه، مبتنی بر نوعی تفسیر اخلاقی است در حالی که مشهور فقها این آیه را در زمره آیات الاحکام شمرده و از آن حکم شرعی استفاده کرده اند. در کتب فقهی باب مکاسب محرمة در حرمت غیبت، هجو و ... مکرراً به این آیه استناد شده است. در پاسخ به این انتقاد گفته می شود که؛ منافاتی وجود ندارد از این جهت که آیه در عین حال که حاوی پیام اخلاقی است، به لحاظ فقهی و شرعی نیز دلالت بر حکمی داشته باشد. (طاهری پور، ۱۳۹۸: ۲۲۱-۲۲۰)

برخی دیگر از فقها از جمله صاحب کتاب حاشیه المکاسب المحرمة در خصوص این آیه می نویسد: باید حب موجود در آیه را به ارتکاب محبوب حمل نمود ولو به انجام مقدمات نه یک حب صرف. (ایروانی، ۱۴۲۶: ۱۹۲/۱) امام خمینی (ره) نیز در این مورد می فرماید: بنابر سیاق آیات و روایات بعید است که آیه حب شیوع نفس اشاعه را حرام کرده باشد، زیرا نفس دوست داشتن، گناه نیست. (موسوی خمینی، ۱۳۸۱: ۲۴۷/۱) از مجموع سخنان فوق می توان این گونه استنباط کرد که (یُحِبُّونَ) قیدی احترازی است برای دفع این شبهه که آیه تنها افعالی را حرام می داند که در جهت اشاعه فحشاء صادر شده و به مطلوب خود دست پیدا کرده است. به عبارت دیگر می توان گفت: نهی مقید به نتیجه که همان شیوع فساد در جامعه است، نیست و صرف حرکت شخص در جهت اشاعه فساد هر چند به هدف خود واصل نشود، حرام است. (طاهری پور، ۱۳۹۸: ۲۲۲)

بنابراین از مجموع سخنان فوق می توان کثرت و وسعت مصادیق آیه مورد نظر (به لحاظ شفاهی

شامل؛ غیبت، هجو، فحش، تهمت، افترا و... به لحاظ عملی شامل؛ در ملاء عام مرتکب گناه شدن، تشویق و تحریک به انجام گناه، تهیه وسایل ارتکاب گناه و در یک کلام «قوادی» و... را استنباط کرد.

۲. اشاعه فحشاء در حقوق ایران و فرانسه

در قسمت دوم پژوهش به بررسی ماهیت اشاعه فحشاء در حقوق ایران و فرانسه پرداخته می‌شود که در ابتدا عبارت اشاعه فحشاء در حقوق ایران بررسی می‌شود و سپس در حقوق فرانسه مورد واکاوی قرار می‌گیرد و در انتها عبارت اشاعه فحشاء بین دو نظام حقوقی ایران و فرانسه مورد تطبیق و مقایسه قرار خواهد گرفت.

۱-۲. اشاعه فحشاء در حقوق ایران

اصولاً ارتکاب جرم به معنای تجاوز به ارزش‌ها و باورهایی است که اجتماع آن را محترم می‌شمارد. می‌توان قابلیت سرزنش اجتماعی را شاخصی مهم برای جرم‌انگاری یک رفتار تلقی نمود. در این صورت، شدت مجازات نیز تابعی از میزان سرزنشی است که نسبت به ارتکاب یک رفتار مجرمانه به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، به میزان تقدس هنجارهای نقض شده، هنجارهایی که به اندازه کافی فراگیر و عمیق بوده و تعیین کافی نیز داشته باشند و همچنین به میزان شدت ضربه‌ای که به این هنجارها وارد می‌آید، کیفر نیز توأم با شدت بیش تری همراه خواهد بود. (Breathnach, 1941: 49)

طبق اصل (۱۲) قانون اساسی در میهن عزیزمان ایران، دین مبین اسلام به‌عنوان مذهب رسمی شناخته شده است و قوه مقننه وظیفه دارد تا از مقررات مذهب جعفری پیروی کند، از این رو کلیه قوانین، مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی و غیر این‌ها بر مبنای فقه امامیه استوار شده و بخش‌های مهمی از آن ترجمه کتب فقها است. مذهب اسلام در عمل بخش مهمی از حقوق کنونی را به وجود آورده و قواعد آن مورد احترام دادرسان است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۶۲).

توجه به هنجارها و ارزش‌های بنیادین اجتماع را می‌توان در جرایم مستوجب حد با سخت‌ترین مجازات‌ها جستجو کرد. ارتکاب رفتار نامشروع جنسی نه تنها موجب گسترش فساد اخلاقی و اشاعه فحشاء در جامعه می‌گردد، بلکه موجبات تزلزل نظام خانواده، به عنوان هسته‌ی بنیادین جامعه را فراهم می‌کند. به عنوان نمونه قانونگذار با تعیین مجازات برای بزه کذف، تلاش می‌کند تا از ترور شخصیت افراد جلوگیری کند و مانع ایجاد و گسترش فساد در جامعه گردد و یا با اعلام شدیدترین مجازات‌ها در برابر ارتکاب زنا، به دنبال حراست از نظام خانوادگی، اخلاق اجتماعی و نسل و نسب انسان است. از این رو می‌توان جرایم مستوجب حد را جرم محور دانست که در پی حراست از اخلاق و انسجام اجتماعی است. (بجنوردی، ساداتی، ۱۳۹۲: ۷۴)

علاوه بر کتاب دوم (حدود) قانون مجازات اسلامی ایران که در ارتباط با حفظ کیان خانواده و نسل و

نسب انسان به جرم‌انگاری جرایمی در این خصوص (فحشاء و اشاعه آن) پرداخته است در سایر قوانین نیز به این مهم توجه داشته است. به عنوان نمونه؛ قانون‌گذار در فصل جرایم رایانه‌ای مصوب (۱۳۸۸/۰۳/۰۵) «مواد (۷۴۲) تا (۷۴۶) و تبصره‌های آن» به موضوع فحشا و اشاعه آن در فضای مجازی اشاره دارد و قانون مطبوعات (۱۳۶۴/۱۶/۲۶) «ماده (۲۸) و (۳۰) قانون مطبوعات» با تصویب مواد قانون مسئله فساد و فحشاء و صور گوناگون آن را (از طریق انتشار، تشویق، تحریک، ترغیب و...) جرم‌انگاری کرده است. شاید بتوان یکی از دلایل جرم‌انگاری جرایم رایانه‌ای و جرایمی که از طریق مطبوعات واقع می‌شوند را کثرت و وسعت مخاطبان آن دانست، انتشار موارد ناموسی و جنسیتی به افراد از این طریق، علاوه بر تجری افراد مستعد به گناه، از بین رفتن تدریجی قبح و زشتی این امور در بین افراد جامعه را با خود به همراه خواهد داشت. البته باید این نکته را متذکر شد که در قوانین کیفری ما تعریف جامع و مانعی از اشاعه فحشا ارائه نشده است. (تلخایی، تقی خانی، ۱۳۹۰: ۸۸) اما وصف مجرمانه‌ای که برای جرم اشاعه فحشا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در نظر گرفته شده است را می‌توان در ماده (۶۳۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، کتاب پنجم (بخش تعزیرات) مشاهده کرد. به این دلیل که، مصادیقی از تشویق و ترویج فحشاء و فساد و شهوت‌رانی، بین افراد جامعه در بر می‌گیرد. (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۳۷۱) در ماده (۶۳۹) ق.م.ا.ت. آمده است؛ «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به‌طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد: الف- کسی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند. ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. تبصره- هرگاه بر عمل فوق عنوان کوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد کوادی نیز محکوم می‌گردد.» نکات حائز اهمیت در این ماده وجود دارد که به بررسی آن پرداخته می‌شود. در این ماده دو اصطلاح «فحشاء» و «قوَاد» از سوی قانونگذار جرم‌انگاری شده است که در رابطه با «فحشاء»؛ راغب در مفردات می‌نویسد: «الفحش والفحشاء و الفاحشه» یعنی سخن و رفتاری که قبیح و ناپسند است. (راغب، ۱۳۸۹: ۶۲۶) و به لحاظ لغوی نیز این واژه، به معنای معصیت، عمل زشت، بدی که از حد بگذرد یا زنا و نابکاری است آمده است. (معین، ۱۳۸۸: ۴۹۰/۲) اما واژه کوادی (قیادت) به لحاظ لغوی، به معنای پیشوایی کردن، راهنمایی کردن، واسطه و دلال عمل منافی عفت ذکر شده است. (عمید، ۱۳۸۳: ۸۰۰) رابط شدن برای زنا را کوادی نامند و اگر رابط زن باشد کواده و فعل قواد را قیادت می‌گویند. (لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۹۵۰) در قانون مجازات اسلامی کوادی چنین تعریف شده است: کوادی عبارت است از «جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط» (ماده ۱۳۵ ق.م.ا. (مصوب ۱۳۷۰) که شماره این ماده در ق.م.ا. (مصوب ۱۳۹۲) به شماره ۲۴۲ تغییر یافته است). برخی از حقوقدانان در مورد اصطلاح به کار رفته در بند الف (مرکز فساد یا فحشاء) و بند ب (تشویق به فساد یا فحشاء) ماده فوق می‌نویسند: مفهوم مرکز فحشاء فی الجمله معلوم و

مشخص است. ولی مفهوم مرکز فساد معلوم نیست، چراکه، تعریف روشنی از فساد وجود ندارد. به همین علت مفهوم تشویق به فساد هم نامشخص و نامعین است. اما با توجه به وجود لفظ «یا» می‌توان دریافت که این دو واژه از نظر قانونگذار، متفاوت و مجزا از یکدیگر هستند. (کشاوری، ۱۳۷۵: ۷۱) این جرم زمانی محقق می‌شود که، قصد سوء با انجام رفتار خاصی، حداقل به مرحله فعلیت و ظهور و بروز رسیده باشد. به عبارتی، زمانی عنصر مادی جرم شکل می‌گیرد که، فعل یا ترک فعل خارجی، که نمایانگر قصد و نیت مجرمانه و یا تقصیر جزایی است محقق شده باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱/۱۳۰)

در مورد ماده (۶۳۹) قانونگذار عناوین متعددی را به عنوان عنصر مادی این جرم در نظر گرفته است که شامل: الف: دایر کردن مرکز فساد یا فحشاء؛ یعنی کسی مرکز فساد و فحشائی دایر کرده. به بیان دیگر، آن مرکز برای فساد و فحشا تأسیس شده و آماده پذیرش افراد برای چنین مواردی است. بنابراین هرگاه کسی چنین محلی را از دیگری خریداری کرده و خود به ادامه همان فعالیت مشغول شده باشد، به نظر می‌رسد که مضمول این ماده خواهد بود. جرم دایر کردن در این ماده از جمله جرایم به عادت است که تکرار خصیصه مجرمانه به آن می‌بخشد. به عبارتی دیگر چنین اماکنی می‌بایست آن قدر به امور مربوط به فساد و فحشاء اختصاص یابد که بتوان گفت این گونه اماکن برای انجام چنین اموری دایر شده‌اند یعنی صرف تأسیس، بدون این که فساد و فحشائی در این اماکن صورت گیرد در حقیقت جرمی انجام نشده است. (شکری؛ سیروس، ۱۳۸۹: ۷۰۹) البته، به نظر برخی ایجاد این گونه اماکن، بدون تحقق فساد و فحشاء ممکن است شروع به جرم تلقی شود. (زراعت، ۱۳۹۲: ۲/۲۰۵) ب: اداره کردن مرکز فساد یا فحشاء؛ منظور از اداره کردن؛ نظم دادن، قیادت کردن، تنظیم کردن می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱/۱۵۵۵) بنابراین اگر فرد یا گروهی در این گونه مراکز یا اماکن مشغول فعالیت یا عهده دار مسئولیت‌های جانبی باشند در این حالت، ممکن است به عنوان معاون جرم تلقی شوند نه مباشر جرم در این ماده، مگر اینکه به صورت گروهی هدایت و مدیریت این گونه مراکز را شروع و ادامه داده باشند که در این حالت به عنوان مباشر جرم مضمول این ماده خواهند شد. در واقع می‌توان گفت بند «ب» این ماده که در مورد اداره کردن این گونه مراکز است خود نوعی معاونت در جرم است که به صورت جرم مستقل در نظر گرفته شده است. (زراعت، ۱۳۹۲: ۲/۲۰۶) برخی حقوقدانان معتقدند که؛ دایر کردن مرکز فساد و فحشاء با اداره کردن آن ملازم نیست و قابل تفکیک از یکدیگر هستند. به این صورت که شخصی مرکز فساد و فحشائی را دایر می‌کند اما هدایت و مدیریت آن را به دیگری می‌سپارد. در این حالت شخص مرتکب جرم واحدی شده است و دلیلی وجود ندارد که این گونه اعمال را متعدد فرض کرده و از علل مشدده کیفر برای مرتکب در نظر گرفته شود. (شامبیاتی، ۱۳۸۸: ۳/۵۷۳) ج: تشویق مردم به فساد یا فحشاء و یا فراهم آوردن موجبات آن؛ در واقع تشویق مردم به فساد یا فحشاء و یا فراهم کردن موجبات آن را می‌توان از مصادیق معاونت در جرم درج شده در تبصره (۲) ماده (۴۳) ق.م.ا دانست. با توجه به اهمیتی که قانونگذار برای این گونه

اعمال قائل شده و در صورت توسعه و گسترش این گونه اعمال، ممکن است فساد و تباهی در جامعه افزایش یابد. از این رو به آن اطلاق معاونت در حکم مباشرت داده و مرتکب را به عنوان فاعل مستقل جرم قابل مجازات می‌داند. (ولیدی، ۱۳۸۰: ۲۱۸) گمان می‌رود عبارت فساد یا فحشاء در این ماده، اشاره دارد به مفاسد اخلاقی و جنسی از این رو اعمالی چون رقص و آواز، زنا، لواط، تقبیل، مضاجعه و... را شامل می‌شود. البته تشخیص موارد و مصادیق آن بر عهده دادگاه است. (شکری، سیروس، ۱۳۸۹: ۷۰۹) د: مرتبط کردن دو نفر جهت انجام اعمال منافی عفت؛ مرتبط نمودن و جمع کردن دو نفر یا بیشتر برای انجام اعمال منافی عفت؛ زنا یا لواط را قوادی می‌گویند که در (ماده ۱۳۵ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۰) تعریف آن بیان شده است. تحقق جرم قوادی منوط به حصول نتیجه و قصد و نیت مرتکب نمی‌باشد در واقع جرم قوادی از جمله جرایم مطلق است که صرف جمع و مرتب کردن دو نفر برای زنا و یا لواط کافی است خواه آن دو نفر جرم را مرتکب شوند یا نشوند. و از نظر حقوقی، قوادی ماهیتاً معاونت در جرم زنا و لواط است که قانونگذار آن را به عنوان یک جرم مستقل جرم‌انگاری کرده است. (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۱۱۱) برخلاف جرم دایرکردن مرکز فساد یا فحشاء، جرم قوادی، یک جرم به عادت نیست، لذا با یک بار انجام دادن، این جرم محقق می‌شود. جرم قوادی جرم مستمر است، اما این استمرار شرط تحقق جرم محسوب نمی‌شود (زراعت، ۱۳۹۲: ۳۴۳/۲).

نقض اوامر و نواهی قانونگذار زمانی جرم است که؛ فعل یا ترک فعل مجرمانه، نتیجه اراده و خواست فاعل باشد. به بیان دیگر؛ باید میان فعل مادی و حالات روانی فاعل نسبتی وجود داشته باشد تا بتوان فاعل را به عنوان مرتکب، مسئول و مقصر دانست. در این صورت ارتکاب جرم از سوی مرتکب یا عمد است یا خطا البته با این شرط که، فاعل چنین فعلی را بخواهد یا دست کم وقوع آن را احتمال دهد و همچنین آگاه به نقض اوامر و نواهی قانونگذار باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۳۶/۱) همانطور که پیشتر بیان شد ماده ۶۳۹ ق.م.ا.مشمول بر عمل ترویج فحشاء و فساد و همچنین جرم قوادی است و در حقیقت مرتکب ماده (۶۳۹) ق.م.ا. (به لحاظ عنصر روانی) می‌بایست برخوردار از عناصر تشکیل‌دهنده رکن روانی جرم مذکور باشد تا مشمول این ماده و مجازات مقرر در آن واقع شود. بنابراین، شخص مرتکب باید بداند عمل ارتكابی جرم و مستوجب مجازات است و علاوه بر آن می‌بایست علم به حرمت عمل ارتكابی داشته باشد و همچنین عمداً درصدد انجام آن عمل باشد (در نتیجه عناصر تشکیل‌دهنده رکن روانی این جرم؛ علم به موضوع و حرمت عمل و عمد در انجام آن) که هر دو رکن روانی این جرم می‌بایست موجود باشند. بنابراین اگر فردی بدون علم و آگاهی عملی انجام دهد که منجر به تشویق مردم به فساد و فحشاء شود یا جهت امر خیر ازدواج، دو نفر را به یکدیگر معرفی کند و آنها در مقام فساد و فحشاء برآیند جرم موضوع این ماده محقق نخواهد شد به این دلیل که رکن معنوی جرم ذکر شده مفقود است. (شامبیاتی، ۱۳۸۸: ۵۷۵/۳) آنچه در تحقق عنصر روانی این جرم لازم است سوء نیت عام است و

قصد اشاعه فحشا و فساد به عنوان سوء نیت خاص لازم نیست چرا که ممکن است هدف از انجام این عمل کسب درآمد نامشروع یا اهداف دیگری باشد. (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۰۶/۲)

در جامعه کنونی، جرم قوادی از یک بزه جزئی و ساده به یک جرم سازمان‌یافته و بحران‌بزرگ اجتماعی تبدیل شده است که قاچاق زنان و دختران و تشکیل باندهای فساد و فحشاء نمونه‌ای از این گونه جرایم سازمان‌یافته است. (بهرامی، ۱۳۹۸: ۱۹) که با توجه به عبارات کلی بند (ب) ماده فوق، هرگونه تشویق به فساد یا فحشاء و یا فراهم ساختن موجبات آن را مشمول مجازات می‌داند، موجب می‌شود که بتوان مواردی از قبیل قاچاق زنان و دختران (که از طریق تشویق، تطمیع، فریب و غیره) به قصد فساد و فحشاء، بهره‌کشی جنسی (نوبهاری طهرانی، ۱۳۹۳: ۳۳۰) و یا فعالیت آن‌ها به عنوان روسپی و غیره با این گونه قاچاقچیان همراه می‌شوند را می‌توان طبق این ماده مجازات کرد، چراکه موجبات فراهم شدن فساد و فحشاء بدین شکل مطابق بند (ب) را می‌توان فرض کرد. (اشتری، ۱۳۸۰: ۲۰۱-۱۹۸)

اولین گام قانونی مهم در مبارزه با قاچاق انسان، تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ است که این قانون مشتمل بر هشت ماده و سه تبصره می‌باشد. یکی از نقاط ضعف این قانون عدم توجه به ارتکاب جرم توسط سازمان‌های مجرمانه فراملی بود که مقررات ماهوی و شکلی افتراقی برای مبارزه با آن پیش‌بینی نشده بود. این ضعف‌ها باعث شد، قانونگذار درصدد تصویب قانونی جدید برآید بر همین اساس در تاریخ هشتم اسفندماه ۱۳۹۷ لایحه «مبارزه با قاچاق انسان و اعضای بدن و مجازات عبوردهندگان غیر مجاز افراد از مرزهای کشور» در هیئت وزیران تصویب شد و به مجلس فرستاده شد. در مقدمه این لایحه آمده است «نظر به این که شرایط ناپایدار برخی از کشورهای پیرامون جمهوری اسلامی ایران می‌تواند زمینه تشدید اقدامات باندها و شبکه‌های تبهکاری قاچاق انسان را بیش از پیش فراهم آورده و امنیت داخلی و خارجی را تهدید نماید و با عنایت به این که لازمه اقدام برای دفع تهدید احتمالی یاد شده، ... اصلاح قوانین و مقررات مربوط برای رفع خلأهای قانونی در راستای پیشگیری از قاچاق انسان و اعضای بدن و مهاجرت غیرمجاز و مجازات مرتکبان این اعمال می‌باشد. لایحه ... تقدیم می‌شود.» (باباخانی، ۱۳۹۹: ۱۳۰).

۲-۲. اشاعه فحشاء در حقوق فرانسه

اولین قانون مدون کیفری فرانسه در سال (۱۷۹۱ میلادی) به تصویب رسید اما به خاطر تأثیر افکار تند انقلابیون انقلاب کبیر (۱۷۸۹م)، قانون دیگری در سال (۱۸۱۰م) تصویب شد که البته اصلاحات فراوانی را به ویژه در سال‌های (۱۸۹۲م) و (۱۹۳۲م) به خود دید و سرانجام منتهی به قانونی شد که از اول مارس (۱۹۹۴م) به اجرا گذاشته شد. این قانون مبتنی بر «نظام لائیک» است. (زراعت، ۱۳۸۵: ۱۰/۳) که در حال حاضر نزدیک به صد و سه سال از زمان تصویب قانون «جدایی دولت از کلیساها» در فرانسه می‌گذرد. این قانون در سایه حکومت جمهوری سوم در (۹ دسامبر ۱۹۰۵م) به تصویب مجلس ملی این

کشور رسید و به «قانون لانیسیته» شهرت یافت. آغاز فرایند «جدایی دولت و دین» در فرانسه را می‌توان در قرون وسطی با صدور «حکم نانت»^۱ در سال (۱۵۹۸م) توسط هانری چهارم نشان داد. مطابق این حکم، برای نخستین بار در اروپا، تعلق مذهبی از تعلق ملی جدا شد و مشروعیت دو مذهب کاتولیک و پروتستان اعلام گردید که این حکم در سال (۱۶۸۵م) توسط لویی چهاردهم فسخ شد. (وثیق، ۱۳۸۴: ۵۱)

اگرچه امروزه در فرانسه مناسبات حقوقی - سیاسی دولت و کلیساها شکل ثابت خود را پیدا کرده است اما روابط دین و دولت هنوز هم هر از چند گاهی دچار تنش‌های سختی می‌شود. (گرجی، ۱۳۸۷: ۱۵۶) قانونگذار فرانسه برخی از عناوین مجرمانه مانند زنا-زنا با رضایت طرفین را جرم نمی‌داند چراکه این امر با مبانی حقوقی آنان سازگار است به این دلیل که آزادی‌های جنسی به مانند یکی از آزادی‌های فردی اشخاص است - را حذف کرد و متناسب با نیازهای جامعه، ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی، انسانی و ... عناوین مجرمانه جدیدی از جمله جرایم علیه بشریت، جرایم علیه تمامیت جسمانی و معنوی و ... را وضع کرد. (زراعت، ۱۳۸۵: ۱۲/۳)

به نظر می‌رسد که می‌توان آنچه مرتبط با موضوع مورد بحث در حقوق جزایی فرانسه باشد، در بخش دوم از فصل پنجم (جرایم علیه حیثیت اشخاص) قانون جزایی فرانسه مشاهده کرد. در ادبیات حقوقی فرانسه، قوادی^۲ (به معنی خاص کلمه: واسطه‌گری^۳) شامل مجموعه جرایم مشابه در جهت گسترش و پشتیبانی از فحشاء و فساد، اعمال منافعی عفت، بهره‌برداری از زنان روسپی و کسب درآمد از طریق یاد شده است. در قانون جزایی قدیم فرانسه (مصوب ۱۸۰۸م)، تنها یک ماده (۳۳۴)^۴ به این جرم اختصاص یافته بود اما با تصویب قانون جزایی جدید فرانسه (مصوب ۱۹۹۴م)، قانون سابق از درجه اعتبار ساقط شد. قانونگذار فرانسوی از ماده (۵-۲۲۵) الی (۱۲-۲۲۵) که شامل هشت ماده است را به این موضوع اختصاص داده و به وضوح مشخص است که سیاست کیفری کشور فرانسه در آغاز قرن بیست و یکم که روابط جنسی حد و مرزی برای خود نمی‌شناسد بر تشدید مجازات و سختگیری هرچه بیشتر در این باره

1. L, Edit de Nantes

2. Proxenetisme

3. Entremetteur - Entremetteur

۴. ماده (۳۳۴) مصوب (۱۸۰۸م): «اشخاص زیر (اعم از زن یا مرد)، قوادی (به معنی عام کلمه) محسوب شده و قطع نظر از مجازات شدیدتری که ممکن است به جتهی خاص بر مجرمی تحمیل گردد، به حبس از شش ماه تا سه سال و جریمه نقدی ۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ فرانک مجازات می‌شود: ۱- فردی که به هر طریقی، دیگری را در فاحشگی کمک و دستیاری نموده و یا حمایت کند یا او را برای این امر جلب و ترغیب نماید. ۲- شخصی که، به هر نحو ممکن، خود را در عایدات حاصل از فاحشگی دیگری سهیم بداند یا مبلغی به عنوان حق یا سهم خود از فردی که به‌طور دایم به این عمل اشتغال دارد، دریافت کند ...»

تعلق گرفته است، چنانچه در قانون سابق صرفاً یک ماده در این رابطه پیش بینی شده بود. (پورزندمقدم، ۱۳۸۲: ۸۱) قانونگذار فرانسوی در (ماده ۵-۲۲۵) مواردی را تحت عنوان «Proxenetisme» مطرح می‌سازد.

ماده (۵-۲۲۵) ق.ج.ف: قوادی، عبارت است از عمل هر کسی که به هر روشی، یکی از اعمال ذیل را انجام دهد:

- ۱) کمک کردن، مساعدت یا حمایت از روسپی‌گری دیگری.
- ۲) نفع بردن از فاحشگی دیگری، سهیم شدن در منافع یا تحصیل یارانه از شخصی که معمولاً تن به فاحشگی می‌دهد.
- ۳) استخدام کردن، تربیت کردن یا منحرف کردن یک شخص به منظور فاحشگی یا اعمال فشار بر وی برای این که تن به فاحشگی بدهد یا آن را ادامه دهد. قوادی با پنج سال حبس و یک میلیون فرانک جزای نقدی، مجازات می‌شود.

ماده (۶-۲۲۵) ق.ج.ف: شبیه فاحشگی است و مجازات موضوع ماده (۵-۲۲۵) را در پی دارد، عملی که توسط هرکس و به هر شیوه‌ای در قالب یکی از موارد زیر ارتکاب یابد:

- ۱) انجام نقش واسطه بین دو نفر که یکی از آنها تن به فاحشگی می‌دهد و دیگری بهره‌مندی برد یا اجرت فاحشگی دیگری را می‌پردازد.
- ۲) تسهیل اثبات منابع مالی غیر واقعی برای یک قواد.
- ۳) عدم امکان اثبات منابع کسب معاش در حالی که شخص با کسی زندگی می‌کند که به‌طور معمول خود را برای روسپی‌گری عرضه می‌کند یا در حالی که شخص به‌طور معمول با شخص یا اشخاص متعددی که خود را برای فاحشگی عرضه می‌دارند، در ارتباط است.
- ۴) جلوگیری از عمل پیشگیری، نظارت، مددکاری یا بازپروری به وسیله نهادهای صلاحیت‌دار، نسبت به اشخاصی که در خطر فاحشگی یا تن به فاحشگی دادن قرار دارند.

ماده (۷-۲۲۵) ق.ج.ف: قوادی دارای مجازات ده سال حبس و ده میلیون فرانک جزای نقدی است چنانچه ارتکاب یابد:

- ۱) نسبت به یک صغیر.
- ۲) نسبت به شخصی که آسیب‌پذیری شخصی او، به خاطر سن وی، بیماری، معلولیت، ناتوانی جسمی یا روانی یا وضعیت حاملگی، آشکار بوده یا مرتکب جرم، نسبت به آن آگاه باشد.
- ۳) نسبت به چند شخص.
- ۴) نسبت به شخصی که وادار به تن دادن به فاحشگی شده است، خواه در خارج از سرزمین جمهوری، خواه به ورودش در سرزمین جمهوری.

- ۵) به وسیله والدین قانونی یا طبیعی یا پدرخوانده یا مادرخوانده شخصی که فاحشگی می کند یا به وسیله شخصی که بر او نفوذ دارد یا از نفوذی که وظایفش به وی اعطا می کند، سوءاستفاده کند.
- ۶) به وسیله شخصی که به نام وظیفه اش، برای مشارکت در مبارزه با فحشاء، به حمایت از سلامت یا حفظ نظم عمومی، دعوت شده است.
- ۷) به وسیله شخصی که حامل اسلحه است.
- ۸) با به کارگیری زور، خشونت یا مانورهای متقلبانه.
- ۹) به وسیله چند شخص که به عنوان فاعل یا معاون عمل می کنند بدون این که یک باند سازمان یافته را تشکیل دهند.

ماده (۸-۲۲۵) ق.ج.ف: قوادی پیش بینی شده در ماده (۷-۲۲۵) با بیست سال حبس جنایی عادی و بیست میلیون ریال جزای نقدی مجازات می شود در صورتی که در قالب باند سازمان یافته، صورت گیرد.

ماده (۹-۲۲۵) ق.ج.ف: جرم فاحشگی که با توسل به شکنجه یا اعمال وحشیانه، صورت گیرد، مستوجب حبس دائمی و سی میلیون فرانک، جزای نقدی است.

ماده (۱۰-۲۲۵) ق.ج.ف: به مجازات ده سال حبس و پنج میلیون فرانک جزای نقدی محکوم می شود عمل به وسیله هرکس و به صورت مستقیم یا از طریق شخص واسطه:

۱) داشتن، اداره، بهره برداری، رهبری، به کار انداختن، سرمایه گذاری یا مشارکت در سرمایه گذاری یک مؤسسه فاحشه گری.

۲) قبول کردن یا به طور ضمنی اجازه دادن به این که یک یا چند شخص در داخل مؤسسه یا توابع آن، خود را برای فاحشگی عرضه دارند یا به منظور فاحشگی در آن جا به دنبال مشتری بگردند در حالی که شخص هر نوع مؤسسه ای را که برای عموم مفتوح است یا مورد استفاده عموم است در اختیار داشته باشد، اداره کند، بهره برداری یا مدیریت نماید، به کار اندازد، یا در سرمایه گذاری آن شرکت کند.

۳) فروختن یا در اختیار یک یا چند نفر قرار دادن مکان ها یا محل هایی که مورد استفاده عمومی نسبت با علم به این که این اشخاص در آن جا خودفروشی خواهند کرد.

ماده (۱۱-۲۲۵) ق.ج.ف: شروع در جرایم موضوع این فصل، همان مجازات ها را در پی دارد.

ماده (۱۲-۲۲۵) ق.ج.ف: اشخاص حقوقی ممکن است برای ارتکاب جرایم موضوع مواد (۵-۲۲۵) تا (۱۰-۲۲۵) در شرایط مذکور در ماده (۲-۱۲۱)، دارای مسئولیت کیفری شناخته شوند.

مجازات هایی که نسبت به اشخاص حقوقی اعمال می شود عبارتند از:

۱) جزای نقدی، براساس راهکارهایی که در ماده (۳۸-۱۳۱) پیش بینی شده است.

۲) مجازات های مذکور در ماده (۳۹-۱۳۱).

تعاریف مختلفی در زمینه فحشاء از سوی محققین ارائه شده است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

به اعتقاد برخی از محققین؛ روسپی یا فاحشه، طبق تعریف کسی است که سکس یا احساسات جنسی را با پول، مواد مخدر یا سایر چیزهای مورد علاقه معاوضه می‌کند. (DaII, 2000: 350). برخی معتقدند که کلید تعیین اینکه آیا شخص روسپی است یا نه، این است که فرد ارتباط هیجانی یا عاطفی با مراجعینش نداشته باشد. اما این مسأله ممکن است همیشه صادق نباشد و ممکن است بسیاری از این افراد رضایت عاطفی و هیجانی از ارتباط با مراجعین خویش کسب کنند. (Bullough, B & Bullough, 1996: 170) شاید بتوان در این رابطه، تعریف ارائه شده از ایوان بلوچ در آغاز قرن بیستم را جامع‌ترین تعریف بدانست. بلوچ معتقد است که فحشا یک شکل مجزای فعالیت جنسی خارج از چارچوب روابط زناشویی و ازدواج می‌باشد که کم و بیش توسط بی‌بندوباری مشخص می‌شود؛ به ندرت بدون اجرت است و شکلی از معامله برای اهداف جنسی است. (Bloch, 1912: 24)

به نظر می‌رسد تعریف ارائه شده از فحشاء در حقوق جزای فرانسه با تعاریفی که در حقوق جزای ایران و فقه امامیه بدان اشاره شد متفاوت باشد. به عبارتی در حقوق فرانسه «فحشاء» اختصاص به اشخاصی دارد که در مقابل پول مرتکب تن فروشی، فاحشه‌گری و روسپی‌گری می‌شوند، برخلاف معنای وسیع و گسترده‌ای که از این عبارت در فقه امامیه و حقوق ایران بدان اشاره شد.

می‌توان علت جرم‌انگاری قوادی و تحریک به فساد و فحشاء در حقوق فرانسه را دو چیز دانست؛ یکی احترام به آزادی تن اشخاص و دیگری احترام به آداب و اخلاق اجتماعی که در این میان رضایت یا عدم رضایت اشخاصی که تحریک به فساد و فحشاء می‌شوند، تأثیری ندارد. چنانچه از ظاهر مواد فوق چنین استنباط می‌شود که، در قوادی باید نوعی استمرار و اعتیاد وجود داشته باشد بنابراین با یک مرتبه، جرم قوادی محقق نمی‌شود. همچنین عواملی چون صغر سن مجنی علیه و وضعیت وی، نحوه ارتکاب جرم، شخصیت مرتکب و برخی عوامل دیگر موجب تشدید مجازات مرتکب جرم قوادی خواهد بود و با توجه به ماده (۱۱-۲۲۵) در قانون فرانسه شروع به جرم با نص عام یا خاص مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. جرایم موضوع مواد فوق به خارج از مرزها نیز تسری داده شده است با این توضیح که، اگر اتباع کشور مرتکب روسپی‌گری، فساد و فحشاء در خارج از کشور شوند در واقع به حیثیت کشور متبوع خود لطمه زیادی وارد کرده‌اند و از این حیث قابل مجازات هستند. (زراعت، ۱۳۸۵: ۱/۱۷۸) براین اساس، به نظر می‌رسد که «عنوان باند سازمان یافته» در ماده (۸-۲۲۵ ق.ج.ف)، اشاره دارد به «قاچاق انسان» به منظور سوءاستفاده جنسی، فحشاء، فساد و... که در این خصوص قانونگذار فرانسه قاچاق انسان را در ماده (۱-۴-۲۲۵ ق.ج.ف) جرم‌انگاری و بدین صورت تعریف کرده است: «فعل در ازای پاداش یا هر مزایای دیگر یا وعده پاداش یا مزایا، استخدام یک شخص، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا اسکان، در دسترس قرار دادن کسی به شخص ثالث - حتی در صورت عدم شناسایی تا اجازه ارتکاب جرایم علیه آن شخص در زمینه قوادی، تعرض یا جرایم جنسی، استثمار تکدی‌گری، شرایط کار یا اسکان برخلاف

کرامت انسانی، یا وادار کردن آن شخص به ارتکاب جرم یا جنحه فراهم شود.» شاید بتوان علت جرم دانستن قاچاق انسان در نظام حقوقی فرانسه را همان علت تحریک به فساد، فحشاء و قوادی چنانچه پیشتر بیان شد و به منظور جلوگیری از شیوع فحشاء و فساد دانست. با توجه به تعریف قاچاق انسان در ماده فوق، برای اینکه جرم قاچاق انسان ارتکاب یابد، می‌بایست سه عنصر جمع شود: عمل (فعل)، وسیله، هدف. این عمل عبارت است از؛ اقدام به استخدام، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا حتی اسکان شخصی به منظور قاچاق است. وسیله عبارت است از؛ استفاده از تهدید، اجبار یا استفاده از زور، آدم ربایی، سوء استفاده از قدرت یا ضعف یا کلاهبرداری یا فریب است و سرانجام، هدف بهره‌کشی از شخص است. چنانچه عمل مذکور در ماده فوق علیه اطفال یا علیه شخصی که وضعیت آسیب‌پذیری ناشی از سن، بیماری، ناتوانی، ناتوانی جسمی یا روانی یا بارداری یا علیه چندین شخص باشد، یا وقتی که شخص با استفاده از شبکه ارتباطات الکترونیکی برای انتشار پیام‌ها به عموم نامعین یا مجرم ارتباط گرفته باشد یا در شرایطی که مستقیماً فرد را در معرض خطر سریع مرگ یا جراحی قرار دهد که منجر به مثله یا ناتوانی دائمی شود و ... ارتکاب یابد از موارد تشدید مجازات جرایم قاچاق انسان است که در مواد (۲-۴-۲۲۵ تا ۴-۴-۲۲۵ ق.ج.ف) پیش‌بینی شده است. (باباخانی، ۱۳۹۹: ۱۳۱)

۲-۳. تطبیق حقوق ایران و فرانسه

در یک تقسیم‌بندی جرایم به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ نخست جرایم طبیعی و دیگری جرایم قراردادی. معمولاً در همه قوانین، جرایم طبیعی (زنا، قوادی، توهین و...) مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند. اما جرایم قراردادی ممکن است در قانونی پیش‌بینی شده و در قانون دیگری پیش‌بینی نشده باشد (جرم تغییر دین). (زراعت، ۱۳۸۵: ۹/۱) برخی جرایم کیان خانواده و ارزش‌های مورد قبول جامعه را تهدید می‌کند، بدین منظور برای حفظ حرمت و قداست حریم خانواده، ارزش‌ها، باورها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه، قانونگذار جرایمی را که در تضاد با موارد ذکر شده باشند، مورد جرم‌انگاری قرار داده است. بدین جهت است که در کشورهای لائیک مشاهده می‌شود که در این زمینه جرم‌انگاری‌های صورت گرفته است.

در خصوص واژه «فحشاء» در حقوق ایران و فرانسه به نظر می‌رسد، کلمه فحشاء^۱ در حقوق فرانسه به یک معنا (روسی‌گری، تن‌فروشی یا فاحشگی) بیان شده باشد. پس از جنگ جهانی اول، اصطلاح قدیمی‌ترین حرفه در جهان به‌طور عمومی به «روسی‌گری» اشاره می‌کند، روسپیگری به عنوان یک جرم علیه کرامت انسانی فرد مطرح است چراکه، مقام انسان به یک شیء که ما به ازای مادی دارد تنزل پیدا می‌کند. این اصطلاح برای نشان دادن رفتار کسی است که درگیر فعالیت‌های جنسی خارج از هنجارهای جامعه است مثل بی‌بندوباری جنسی یا روابط بیرون از ازدواج حتی ازدواج سفید به کار برده می‌شود. به

کسی که در هر بخش از این پیشه کار می‌کند «کارگر جنسی» گفته می‌شود. روسپی‌گری یکی از شاخه‌های صنعت سکس یا «تجارت جنسی» است که در جوامع مختلف از مجازات مرگ تا مجازات اما کنترل نشده تحت قانون و تا یک تجارت سازمان‌یافته کنترل شده و قانونی تغییر پیدا می‌کند. (رستمی، ۱۳۹۶: ۲) و حال آنکه در حقوق ایران با توجه به آنچه که پیشتر بیان شد، برای «فحشاء» مصادیق گسترده و متعددی ذکر شده است.

در مقام تطبیق ماده (۶۳۹ ق.م.ا) و مواد (۵-۲۲۵) الی (۱۲-۲۲۵) ق.ج.ف باید بیان داشت که؛ قانونگذار ایران جرم قوادی را به دو دسته تقسیم کرده است: جرم (حدی) و جرم (تعزیری) هرگاه قوادی برای ارتکاب زنا یا لواط باشد، جرم حدی محسوب می‌شود و در غیر این صورت جزء جرایم تعزیری خواهد بود و حال آنکه این تقسیم بندی در قانون جزای فرانسه مشاهده نمی‌شود بلکه ممکن است در قانون جزای فرانسه عملی که قوادی نسبت به آن صورت می‌گیرد، جرم نباشد بلکه مهم آن است که عمل مزبور غیر اخلاقی باشد، برخلاف قانون ایران که می‌بایست میان جرم بودن عملی که قوادی نسبت به آن صورت می‌گیرد و قوادی، ملازمه وجود داشته باشد.

قانونگذار ایرانی تحت تأثیر تعالیم دینی و اخلاقی، حساسیت بیشتری نسبت به ارزش‌های اخلاقی و دینی از خود نشان داده و نسبت به مخالفت‌هایی که با این ارزش‌ها می‌شود برخوردهای شدیدی را روا می‌دارد. مواد (۱۳۵ و ۱۳۸ ق.م.ا) تعریف قوادی و مجازات آن و مواد (۱۳۶ و ۱۳۷ ق.م.ا) نحوه اثبات جرم قوادی و ماده (۶۳۹ ق.م.ا) به نحو کلی به این موضوع پرداخته است در حالی که قانونگذار فرانسوی مقررات مفصلی را در این زمینه بیان کرده است. (زراعت، ۱۳۸۵: ۱۷۸/۱)

به نظر می‌رسد، در مقایسه با تعریف محدود ارائه شده از فحشاء در حقوق فرانسه، می‌توان به مصادیق گسترده و وسیعی از فحشاء در فقه امامیه و حقوق ایران بدون بیان تعریفی از این عبارت اشاره کرد. که این گستره از آلودگی‌های جنسی (زنا، لواط، ...) تا اقوالی و سخنانی همچون (قذف، افترا، توهین، ...) و اعمال و رفتارهایی که منجر به تشویق و تحریک مردم به فساد و فحشاء، تهیه و تدارک وسایل ارتکاب گناه (قوادی)، ارتکاب گناه در ملاء عام و مانند آن را در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد که مصادیق گسترده‌ای که تحت عنوان اشاعه فحشاء در فقه امامیه و حقوق ایران قرار می‌گیرد، به جهت احترام به کرامت و عزت انسان‌هاست که خداوند متعال در قرآن کریم «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۱ به این موضوع اشاره کرده است و همچنین عدم تجاوز به اصول رفتاری، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی جامعه است.

نتیجه‌گیری

آیه ۱۹ سوره نور، مبنای جرم‌انگاری «اشاعه فحشاء» است. این سوره از مسلمین می‌خواهد تا هر خبری را بدون علم و آگاهی نپذیرند و بدون تحقیق در جامعه پخش نکنند. در مجموع می‌توان جرم اشاعه فحشاء

را با توجه به آیات و روایات به معنای معصیت و گناه بزرگ که در معنای عام، مطلق گناهان و در معنای خاص، آلودگی‌های جنسی و اعمال منافی عفت به کار می‌رود، دانست.

جرم اشاعه فحشاء از این جهت که باعث از بین رفتن ارزش‌های اخلاقی، کرامت انسان‌ها، پخش و پروس گناه، انتشار قبائح و زشتی‌ها و یا عادی شدن یا جلوه دادن این گونه امور نزد افراد جامعه است از نظر فقها و قانونگذار ایرانی مورد توجه قرار گرفته است و همین امر، از نظر قانونگذار فرانسوی دور از نظر نبوده و علت جرم‌انگاری فحشاء را دو چیز دانسته؛ یکی احترام به آزادی تن اشخاص و دیگری احترام به آداب و اخلاق اجتماعی که در این میان رضایت یا عدم رضایت اشخاصی که تحریک به فساد و فحشاء می‌شوند، تأثیری ندارد.

در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران تعریفی از اشاعه فحشا ذکر نشده است و تنها مصادیقی از آن بیان شده است. شاید عدم ارائه تعریف از اشاعه فحشاء به این دلیل باشد که، قلمرو و دایره شمول جرم اشاعه فحشا در اجتماعات مختلف و همچنین برحسب شرایط زمانی و مکانی متفاوت باشد.

در مقام مقایسه بین نظام‌های حقوقی فقه، ایران و فرانسه می‌توان اینگونه گفت که، فقهای امامیه و قانونگذار ایرانی نگاه متفاوتی نسبت به اشاعه فحشاء دارند و دایره شمول و مصادیق آن را گسترش داده‌اند در حالی که موضع قانونگذار فرانسوی نسبت به موضوع مورد بحث مضیق است.

فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳ش، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ج ۳۷، ج ۱.
اشتری، بهناز، ۱۳۸۰ش، قاچاق زنان: بردگی معاصر، تهران، اندیشه برتر.
ایروانی نجفی، میرزاعلی، ۱۴۲۶ق، حاشیه مکاسب، تهران، کیا، ج ۱.
باباخانی، عرفان، زمستان ۱۳۹۹ش، «مبارزه با قاچاق سازمان یافته انسان (با تاکید بر حقوق فرانسه)»، علوم اجتماعی، نشریه کارآگاه، ش ۵۳.
بهرامی، طاهره، ۱۳۹۸ش، «تحلیل جزایی جرائم مربوط به فساد و فحشاء»، فصلنامه پژوهش های حقوقی، دوره دوم، ش ۵.
پورزند مقدم، پژمان، ۱۳۸۲ش، «مطالعه تطبیقی - تاریخی جرم قوادی در حقوق ایران و فرانسه»، نشریه دادرسی، ش ۳۷.
تلخایی، مجید، تقی خانی، علی، ۱۳۹۰ش، «تحلیل فقهی مسأله اشاعه فحشا و تطبیق آن با فعالیت های رسانه ای» فقه و اصول: فقه و حقوق ارتباطات، ش ۱.
جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۶۳ش، ترمینولوژی حقوق، بی جا، بنیاد راستاد.
جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا، ساداتی، محمد جواد، ۱۳۹۲ش، «عظمت نمادین حدود و موانع اجرایی آن؛ تأملی فلسفی و جامعه شناختی»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، ش ۶۳.
حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت (ع) لإحیاء التراث، ج ۸.
دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۲، ج ۱.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۹ش، المفردات فی غریب القرآن. مترجم: حسین خداپرست، قم، نشر نوید اسلام، ج ۲.
رستمی، مینا، ۱۳۹۶ش، «بزهکاری زنان و روسپیگری در جامعه ایرانی»، چهارمین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزا. زراعت، عباس، ۱۳۸۵ش، حقوق جزای اختصاصی تطبیقی، تهران، ققنوس، ج ۱، ج ۱ و ۳.
زراعت، عباس، ۱۳۹۲ش، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تهران، ققنوس، ج ۲، ج ۲.
شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۸ش، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، مجد، ج ۷، ج ۳.
شکری، رضا، قادر، سیروس، ۱۳۸۹ش، قانون مجازات اسلامی در نظام کنونی، تهران، مهاجر، ج ۹.
صدر، محمدباقر، ۱۴۱۸ق، مباحث الاصول، بی جا، بی نا، ج ۱.
طاهری پور، زهرا، ۱۳۹۸ش، «واکاوی آیه اشاعه فحشا و شمول آن نسبت به مصادیق نوپدید»، پژوهش دینی، ش ۳۹.
طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۶۳ش، تفسیر المیزان، مترجم، محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۵.
طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۰ش، تفسیر مجمع البیان، مترجم، علی کریمی، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۱۷.
طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۶۲ش، مجمع البحرین، تهران، انتشارات مرتضوی، ج ۴.
عبداللهی، فاطمه، امری، مرضیه، ۱۳۹۵ش، «بررسی علل و عوامل هتک حرمت و آبروی مومن و راههای حفظ آن در قرآن و حدیث»، فصلنامه علمی - اختصاصی مطالعات تطبیقی حقوق بشر، ش ۱.

- عمید، حسن، ۱۳۸۳ش، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، چ ۲۹.
- فانی، رضا، ۱۳۹۸ش، «اهمیت بزه‌پوشی در اسلام و تاثیر آن در حقوق کیفری ایران»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲ش، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، انتشار، چ ۹۰.
- کشاوری، بهمن، ۱۳۷۵ش، مجموعه محشای قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، تهران، گنج دانش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۴ق، الاصول من الکافی، مصحح، علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۸.
- گرجی، علی اکبر، ۱۳۸۷ش، «دموکراسی و آزادی مذهبی در بستر لائسیته: نقدی بر پارادوکس‌های لائسیته فرانسوی»، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۲۵.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۱ش، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، مجد، چ ۱۸.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۷ش، جامعه‌شناسی، مترجم، منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نی، چ ۲۲.
- معین، محمد، ۱۳۸۸ش، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چ ۲۵، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۸۸ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱ و ۹ و ۱۴.
- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۱ش، مکاسب المحرمه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۱.
- نجفی، محمدحسن بن باقر، ۱۳۹۰ش، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، مترجم، اکبر نایب‌زاده، تهران، خرسندی، ج ۱ و ۲.
- نوبهار طهرانی، علیرضا، ۱۳۹۳ش، تعرضات جنسی در نظام کیفری ایران و انگلستان، تهران، مجد، چ ۱.
- نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، ج ۱۲.
- وثیق، شیدان، ۱۳۸۴ش، لائسیته چیست؟ همراه با نقدی بر نظریه پردازی‌های ایرانی، تهران، اختران، چ ۱.
- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۸۰ش، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی، تهران، امیر کبیر، چ ۱.

References

- Bloch, I, (1912). Die prostitution. Berlin, L. Marcus.
- Breathnach, Seamus, (1941), Emile Durkheim on Crime and Punishment (An Exegesis).
- Bullough, B & Bullough, V.L. (1996). Female Prostitution: Current Research and changing Interpretations, Annual Review of Sex Research, vol7.
- Dall, R.L. (2000), Exposing the "Pretty Woman" myth: Aqualitative examination of the lives of female street walking prostitutes: The Journal of Sex Research. New York, vol. 37.

Persian Sources

- Ardabili, Mohammad Ali, (2013), General Criminal Law, Tehran, Mizan Publishing House, Ch37, Vol.1.
- Ashtari, Behnaz, (2001), Trafficking in Women: Contemporary Slavery, Tehran, Andisheh Betrer.
- Irwani Najafi, Mirza Ali, (2005)., Maksasab, Tehran, Kia, vol.1.

- Babakhani, Irfan, (2019), "Combating Organized Human Trafficking (with an emphasis on French law)", *Social Sciences, Detective Journal*, No. 53.
- Bahrani, Tahereh, (2018), "Criminal Analysis of Crimes Related to Corruption and Prostitution", *Legal Research Quarterly*, 2nd Term, 5.
- Porzand Moghadam, Pejman, (2003), "Historical-Comparative Study of Gambling Crime in Iranian and French Laws", *Dadersi Journal*, Vol. 37.
- Talkhabi, Majid, Taghi Khani, Ali, (2013), "Jurisprudential analysis of the issue of spreading prostitution and its adaptation to media activities", *Jurisprudence and Principles: Jurisprudence and Communication Laws*, vol. 1.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar, (1984), *Legal Terminology*, Bija, Rastad Foundation.
- Javan Jafari Bejnordi, Abdolreza, Sadati, Mohammad Javad, (2013), "The symbolic greatness of its limits and implementation obstacles; A Philosophical and Sociological Reflection", *Judicial Perspectives Quarterly*, No. 63.
- Hiraamili, Muhammad bin Hassan, (1995), *Wasal al-Shi'a to study matters of the Shari'ah*, Qom, Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him, for the revival of heritage, vol.8.
- Dehkhoda, Ali Akbar, (1998), *Dehkhoda Dictionary*, Tehran, Publishing and Printing Institute of Tehran University, Ch2, Vol.1.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad, (2010), *Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an*. Translator: Hossein Khodaparast, Qom, Navid Islam Publishing House, Ch2.
- Rostami, Mina, (2016), "Women's delinquency and prostitution in Iranian society", 4th National Conference on Law and Criminal Sciences.
- Zareem, Abbas, (2006), *comparative special criminal law*, Tehran, Qaqnos, Ch1, Vol. 1 and 3.
- Zareem, Abbas, (1392), *brief description of the Islamic Penal Code 1392*, Tehran, Qaqnos, ch2, vol.2.
- Shambiati, Houshang, (2013), *Special criminal law*, Tehran, Majd, ch7, vol.3.
- Shokri, Reza, Qadir, Siros, (2018), *Islamic Penal Code in the Current System*, Tehran, Mohajer, Ch9.
- Sadr, Muhammad Baqir, (1997), "The Basics", Volume 1.
- Taheripour, Zahra, (2018), "Analysis of the spread of prostitution verse and its inclusion in relation to new examples", *Religious Research*, Vol. 39.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (1984), *Tafsir al-Mizan*, translator, Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Society, Volume 15.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan, (2001), *Tafsir Majma al Bayan*, translator, Ali Karmi, Tehran, Farahani Publications, vol.17.
- Tareehi, Fakhreddin bin Mohammad, (1983), *Majma Al-Baharin*, Tehran, Mortazavi Publications, vol.4.
- Abdollahi, Fatemeh, Amri, Marzieh, (2015), "Investigation of the causes and factors of desecration and honor of the believer and the ways to preserve it in the Qur'an and

- Hadith", Scientific Quarterly - Special Comparative Studies of Human Rights, No. 1.
- Omid, Hassan, (2004), Farhang Omid (Dictionary), Tehran, Amir Kabir, Ch 29.
- Fani, Reza, (2018), "The importance of scapegoating in Islam and its impact on Iranian criminal law", the 5th international research conference in psychology, counseling and educational sciences.
- Katouzian, Nasser, (2013), Introduction to the science of law and the study of Iran's legal system, Tehran, publication, ch90.
- Keshavarz, Bahman, (1996), Mahshai Collection of Punishment Law approved 1375, Tehran, Ganj Danesh.
- Kilini, Muhammad bin Yaqub, (1954), Al-Asul Man Al-Kafi, revised by Ali Akbar Ghafari, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiya, vol.8.
- Gurji, Ali Akbar, (2008), "Democracy and religious freedom in the context of laicity: a critique on the paradoxes of French laicity", Research on Law and Politics, vol. 25.
- Goldouzian, Iraj, (2012), Mohshai of the Islamic Penal Code, Tehran, Majd, Ch18.
- Giddens, Anthony, (2008), Sociology, translator, Manouchehr Sabouri Kashani, Tehran, Ni, Ch22.
- Moin, Mohammad, (2009), Farhang Farsi (Dictionary), Tehran, Amirkabir, ch25, vol.2.
- Makarem Shirazi, Nasser and others, (2009), Sample interpretation, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya, vol.1, 9, and 14.
- Mousavi Khomeini, Ruhollah, (2002), Makasab Al-Muharmah, Tehran, Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini (RA), Volume 1.
- Najafi, Mohammad Hassan bin Baqir, (2011), Javaher al-Kalam fi Sharh Shariah al-Islam, translated by Akbar Naibzadeh, Tehran, Khorsandi, vol.1 and 2.
- Nobahari Tehrani, Alireza, (2013), Sexual assaults in the criminal system of Iran and England, Tehran, Majd, Ch1.
- Nouri, Hossein bin Muhammad Taqi, (1408 AH), Mustadrak al-Wasail and Mustanbat al-Masail, Beirut, Al-Al-Bayt Institute (peace be upon him), Lahiya al-Tarath, vol. 12.
- Vathiq, Shidan, (2014), What is legality? Along with a critique on Iranian theories, Tehran, Akhtaran, Ch1.
- Validi, Mohammad Saleh, (2001), Special criminal law, crimes against chastity and public morals and family rights and duties, Tehran, Amir Kabir, Ch1.